

لبنیات، قربانی تصمیمی که قرار بود نجات بخش باشد

دوغ هم لوکس شد!

افزایش نرخ خرید شیر خام، زنجیره قیمت لبنیات را شعله‌ور کرد

حالا لبنیات به کالایی نیمه‌لوکس تبدیل شده است و بسیاری

از خانواده‌ها ناچار به حذف آن از سبد غذایی خود شده‌اند

سفره دی‌گر بوی ماست نمی‌دهد. این جمله شاید به‌نظر ساده بیاید اما در دل آن واقعیتی تلخ نهفته است؛ واقعیتی که امروز بسیاری از خانواده‌های ایرانی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. روزگاری نه‌چندان دور، شیر و ماست و پنیر، جزء ی‌ایه‌های تغذیه خانوار بود، اما حالا با موج جدید افزایش قیمت‌ها، لبنیات به‌سوی حاشیه رانده شده‌اند. تصمیم اخیر دولت برای افزایش نرخ خرید شیر خام، گرچه با هدف حمایت از دامداران اتخاذ شد، اما بی‌تدبیری در کنترل تبعات آن، زنجیره تولید تا مصرف را درگیر بحران کرده است. حالا مصرف‌کننده، بدون حمایت و در سایه بی‌برنامگی، ناگزیر از حذف یا کاهش مصرف یکی از ارکان سلامت غذایی شده است و این یعنی بهای گرانی را نه تولیدکننده می‌پردازد، نه سیاستگذار، بلکه مردمی که پیش‌تر هم زیر بار تورم خمیده بودند.

■ ■ ■

آنچه به نام حمایت از تولید آغاز شد، به‌نام «گرانی» در سفره مردم ختم شد. تصمیم دولت برای افزایش نرخ خرید شیر خام، اگرچه در ظاهر گامی در جهت احیای صنعت دامپروری کشور تلقی شد اما عملاً بدون پیش‌بینی تبعات اقتصادی آن بر مصرف‌کننده، شوکی ویرانگر بر بازار لبنیات وارد کرد. شوکی که نه‌تنها قیمت‌ها را بالا برد، بلکه تعادل مصرف را نیز برهم زد.

کارشناسان اقتصادی بارها هشدار داده بودند، هر گونه تغییر در قیمت نهاده‌های اصلی تولید باید همراه با سیاست‌های جبرانی برای طرف مصرف باشد. اما در این مورد، تصمیم‌گیران چنان با شتاب و بی‌برنامه عمل کردند که بازار تنها ظرف چند روز، با موجی از افزایش قیمت مواجه شد. از پنیر گرفته تا ماست و دوغ، کالاهایی که روزگاری جزء سبد غذایی ثابت طبقات مختلف جامعه بودند، حالا برای بسیاری به اقلامی پرهزینه تبدیل شده‌اند.

■ **افزایش قیمت، نه متناسب با نرخ شیر خام**

برخی تولیدکنندگان لبنیات، با تکیه بر آزاد بودن قیمت‌گذاری اکثر اقلام لبنی، از فرصت ایجادشده بهره‌برداری کرده و قیمت‌ها را به‌مراتب بیشتر از افزایش واقعی نرخ شیر خام بالا برده‌اند. بررسی میدانی قیمت‌ها نشان می‌دهد، در برخی برندها، افزایش قیمت ماست و پنیر حتی به ۳۵ تا ۴۰ درصد رسیده، در حالی که نرخ شیر خام حدود ۲۵ درصد افزایش یافته است.

این فاصله غیرمنطقی، در نبود نظارت مؤثر، فضا را برای سودجویی باز گذاشته است. سازمان حمایت از مصرف‌کننده و نهادهای نظارتی، با سکوت کرده‌اند یا صرفاً وعده داده‌اند، «پیگیری می‌کنند». در این میان، آن‌که هر روز بیشتر متضرر می‌شود، مصرف‌کننده‌ای است که نه‌از تصمیمات پشت‌پرده خبر دارد و نه صدایی برای مطالبه‌گری در نظام توزیع ناعادلانه قیمت‌ها.



■ **تورم غذایی در مسیر خطرناک**

لبنیات تنها یکی از بخش‌هایی است که تحت تأثیر این بی‌برنامگی قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، افزایش تورم خوراکی‌ها به یکی از دغدغه‌های اصلی خانوارها تبدیل شده اما گرانی لبنیات، ویژگی خاص‌تری دارد. چراکه این گروه از مواد غذایی، از تباطؤ مستقیمی با سلامت استخوان، رشد کودکان و تقویت سیستم ایمنی‌دارد. کاهش مصرف آن، یک رتگ خطر جدی برای سلامت عمومی است، آن هم در جامعه‌ای که پیش‌تر هم با مشکلات تغذیه‌ای و سوءتغذیه در برخی اقشار مواجه بوده است.

■ **تبعات گرانی لبنیات، حذف تدبیری از سفره‌ها**

وقتی قیمت لبنیات افزایش می‌یابد، نخستین قربانیان آن، خانواده‌های کم‌درآمد و متوسط هستند. این گروه‌ها، که بخش بزرگی از جامعه را تشکیل می‌دهند، ناچارند برای مدیریت هزینه‌های خود، انتخاب‌هایی سخت انجام دهند. حذف یا کاهش مصرف لبنیات، یکی از این گزینه‌هاست. تصمیمی که اگرچه برای صرفه‌جویی مالی ضروری به نظر می‌رسد اما پیامدهای جبران‌ناپذیری برای سلامت فردی و جمعی به همراه دارد. مطالعات تغذیه‌ای نشان می‌دهد، کاهش مصرف شیر و فرآورده‌های آن می‌تواند منجر به افزایش مشکلات استخوانی مانند پوکی استخوان، کاهش رشد طبیعی کودکان و حتی ضعف سیستم ایمنی شود. این مسئله به ویژه برای کودکان، سالمندان و زنان باردار اهمیت حیاتی دارد. کاهش دسترسی به لبنیات سالم و با قیمت مناسب، آینده سلامت نسل‌های آینده را تهدید می‌کند.

■ **ضعف سیاستگذاری؛ حمایت ناقص و ناهماهنگ**

در حالی که افزایش قیمت شیر خام از هدف حمایت از دامداران اعلام شد، به نظر می‌رسد، سیاستگذاران به تناسب این افزایش، برنامه‌ریزی لازم برای جلوگیری از فشار بیش از حد بر مصرف‌کننده را اتخاذ نکرده‌اند. نبود بسته‌های حمایتی هدفمند، نظارت ناکافی بر بازار و ضعف در تنظیم عرضه و تقاضا، باعث شده تا قیمت‌ها به‌صورت افسارگسیخته رشد کنند.

همچنین، برخی کارشناسان معتقدند، دولت باید در کنترل حمایت از تولید، سازوکارهای تشویقی و تسهیلات مالی برای تولیدکنندگان لبنیات فراهم کند تا آنان بتوانند بدون نیاز به افزایش قیمت نهایی، تولید را افزایش دهند و بازار را متعادل سازند.

■ **اظهارات متناقض مسئولان و پیامد آن برای اعتماد عمومی**

اظهارات برخی مسئولان در قبال وضعیت نابسامان بازار لبنیات، نه تنها راهگشا نبوده، بلکه گاه موجب سردرگمی و ناامیدی مردم شده است. از یکسو وعده بازگشت قیمت‌ها به سطح قبلی مطرح می‌شود و از سوی دیگر، بازار آزاد و عرضه و تقاضا به عنوان معیار تعیین قیمت‌ها معرفی می‌شود، وضعیتی که تناقض‌های آن باعث کاهش اعتماد عمومی به نهادهای تصمیم‌گیرنده شده است. این تناقض در سیاست‌ها، به ویژه زمانی که هزینه افزایش قیمت‌ها مستقیماً به دوش مردم است، منجر به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در جامعه می‌شود. مردم از مسئولان انتظار دارند، با برنامه‌های مدون و هماهنگ، هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده را به طور عادلانه حمایت کنند، نه این‌که فشار مضاعف بر قشر آسیب‌پذیر وارد شود.

■ **بازار لبنیات، بین عرضه ناکافی و تقاضای سرکوب‌شده**

یکی از دلایل اصلی افزایش بی‌رویه قیمت لبنیات، تعادل شکننده میان عرضه و تقاضاست. با افزایش هزینه‌های تولید، بسیاری از دامداران و کارخانه‌های لبنی با کاهش تولید مواجه شده‌اند، در حالی که تقاضا همچنان وجود دارد. این عدم تعادل به رشد غیرمنطقی قیمت‌ها دامن زده است.

از سوی دیگر، نبود سامانه‌های هوشمند و شفاف برای رصد و مدیریت بازار، باعث شده قیمت‌ها به شکل دلخواه و سلیقه‌ای از سوی برخی تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان تعیین شود. این وضعیت به بی‌ثباتی بازار و نارضایتی مصرف‌کنندگان دامن زده و نگرانی‌ها درباره آینده بازار لبنیات را بیشتر کرده است.

■ **ضرورت بازنگری در سیاست‌های حمایتی**

در شرایط کنونی، ضرورت دارد دولت با بازنگری در سیاست‌های حمایتی، بسته‌های حمایتی متناسب با شرایط اقتصادی مردم طراحی و اجرا کند. افزایش یارانه‌ها یا ارائه تخفیف‌های ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر می‌تواند گامی مؤثر برای کاهش فشار بر خانواده‌ها باشد.

همچنین، توسعه زیرساخت‌های تولیدی، حمایت از فناوری‌های نوین دامپروری و لبنیاتی و تسهیل در دسترسی به منابع مالی، می‌تواند به افزایش تولید و کاهش قیمت تمام‌شده کمک کند. بدون چنین اقدامات هماهنگ و جامعی، بحران قیمت‌ها ادامه خواهد یافت و شکاف طبقاتی عمیق‌تر خواهد شد.

■ **پیامدهای بلندمدت گرانی لبنیات**

اگر این روند افزایشی ادامه یابد، نه تنها سلامت عمومی بلکه اقتصاد خانواده‌ها نیز دچار آسیب‌های جدی خواهد شد. کاهش مصرف لبنیات ممکن است منجر به افزایش بیماری‌های مرتبط با سوءتغذیه و کمبود ویتامین‌ها شود و در بلندمدت، هزینه‌های درمانی را افزایش دهد.

از سوی دیگر، کاهش مصرف داخلی ممکن است بازارهای صادراتی را تحت تأثیر قرار دهد و تولیدکنندگان را در معرض بحران اقتصادی قرار دهد. بنابراین، حفظ تعادل بازار لبنیات، نیازمند نگاه کلان و هماهنگ میان سیاستگذاران، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است.

بانک‌ها سود نشان دادند اما وام ندادند

سودسازی بی‌پشتوانه بانک‌ها

بانک‌های بورسی در بهار ۱۴۰۴ رکورد سوددهی را زدند اما بررسی صورت‌های مالی نشان می‌دهد

این سودها نه حاصل فعالیت واقعی بانکی، بلکه محصول حساب‌سازی، بازی با اوراق بدهی و بهره‌برداری از نوسانات ارزی است



بی‌ارزش خواهد شد. از طرف دیگر، این سود نه‌از خدمت به مشتری بلکه از دولت تأمین شده است؛ یعنی بانک با پول مردم به دولت وام داده و سود گرفته، بدون آن‌که ریسک وام‌دهی به تولیدار بدپذیرد.

■ **ارزایی مجدد دارایی‌ها: هنر بزرگ حساب‌سازی**

بانک‌ها املاک، تجهیزات و سرمایه‌گذاری‌های بورسی متعددی دارند. در سال‌های اخیر، با افزایش قیمت‌ملک و رشد شاخص بورس، بانک‌ها به‌سراغ تجدیدارزایی دارایی‌های‌شان رفته‌اند. با این کار، ارزش دارایی‌ها در ترازنامه افزایش یافته و بخشی از آن به‌عنوان سود غیرعملیاتی در صورت مالی ثبت شده است. اما این سود هم نقدی نیست. در واقع هیچ معامله‌ای رخ نداده است؛ فقط ارزش یک دارایی تغییر کرده است. شاید در برخی این دارایی به فروش برسد و پولی وارد شود اما اکنون صرفاً یک عدد ثبت‌شده در ترازنامه است.

■ **کاهش هزینه‌های مشکوک‌الوصول: معجزه‌ای روی کاغذ**

در برخی بانک‌ها دیده‌می‌شود که میزان ذخایر برای مطالبات مشکوک‌الوصول کاهش یافته است. یعنی بانک‌ها نسبت به قبل، بخش کمتری از درآمد خود را کنار گذاشته‌اند تا اگر وامی بازنگشت، جبران شود. این کاهش ذخیره، باعث افزایش سود خالص شده است. اما آیا این تغییر، بهبود واقعی

می‌بینیم بخش بزرگی از این سودها، نه حاصل خدمات بانکی یا وام‌دهی، بلکه نتیجه عملیات حسابداری، تسعیر ارز، ارزیابی مجدد دارایی‌ها و بازی با اوراق دولتی است.

■ **تسعیر ارز: سود بدون فروش**

نرخ دلار در بهار امسال جهش قابل‌توجهی داشت. بانک‌هایی که دارایی ارزی داشتند، با استفاده از نرخ تسعیر جدید، ارزش این‌داری‌ها را بالا بردند و تفاوت نرخ جدید با نرخ قبلی را به‌عنوان سود شناسایی کردند. اما آیا این سود واقعی است؟ پاسخ منفی است. تازمانی که این دارایی‌ها نقد نشوند، بانک هیچ وجهی دریافت نکرده است. این فقط یک افزایش حسابداری است. حتی ممکن است در آینده، با کاهش نرخ ارز یا عدم‌تسرسری به این دارایی‌ها، همین سود تبدیل به زیان شود.

■ **بازی با اوراق بدهی، یک سود دولتی**

در کنار تسعیر ارز، اوراق بدهی دولتی یکی از ابزارهای اصلی سودسازی بانک‌ها بوده است. در سال‌های اخیر، دولت برای جبران کسری بودجه، اوراقی با نرخ سود بالا منتشر کرده و بانک‌ها خریداران اصلی آن بوده‌اند. در بهار ۱۴۰۴ نیز بسیاری از بانک‌ها از محل نگهداری و بعضاً فروش این اوراق، سود بالایی کسب کردند. اما این سود نیز وابسته به توان دولت برای بازپرداخت بدهی‌هاست. اگر دولت ناتوان شود، این دارایی‌ها

نخستین نشانه‌های بیماری مزمن اقتصاد، همیشه در نبض بانک‌ها خود را نشان می‌دهد. در بهار ۱۴۰۴، بانک‌های کشور در ظاهر به سودآوری بی‌سابقه‌ای رسیده‌اند. صورت‌های مالی، اعداد درشتی را فریاد می‌زنند اما وقتی پرده از جزئیات برداشته می‌شود، تصویر دیگری آشکار می‌شود. بانک‌هایی که باید موتور تأمین مالی تولید و تجارت باشند، اکنون بیشتر شبیه کارخانه‌های حساب‌سازی شده‌اند. سودهای کلان نه‌از وام‌های مولد و نه از خدمات بانکی، بلکه از نوسانات نرخ ارز، بازی با اوراق دولتی و افزایش قیمت دارایی‌های ثابت آمده‌اند. پرسش این است: آیا این سودها واقعی‌اند؟ آیا بانک‌ها در عمل بهتر وام داده‌اند، خدمت به اقتصاد کرده‌اند یا فقط از بازی‌های مالی و نوسان‌های بازار سود برده‌اند؟

■ ■ ■

یک تابستان داغ، با سودهایی که بو می‌دهند. در نخستین ماهه‌ای سال ۱۴۰۴، بورس تهران شاهد یکی از عجیب‌ترین پدیده‌های مالی بود: سودهای شگفت‌انگیز بانک‌ها. برخی بانک‌ها، سود خالص خود را نسبت به مدت مشابه سال قبل، تا پنج‌برابر افزایش دادند. بازار سرمایه واکنش نشان داد. سهام بانک‌ها رشد کرد. اما پشت این اعداد بزرگ، داستانی پیچیده پنهان است. وقتی دقیق‌تر به صورت‌های مالی نگاه می‌کنیم،

اوپک رونق جهانی در نیمه دوم ۲۰۲۵ را پیش‌بینی کرد

گزارش ماهانه اوپک از بهبود عملکرد اقتصادی جهان در نیمه دوم سال ۲۰۲۵ حکایت دارد، سازمان کشورهای صادرکننده نفت

با وجود تداوم تنش‌های ژئوپلیتیکی و جنگ‌های تجاری، چشم‌اندازی مثبت برای بازار انرژی ترسیم کرده است



■ **پالایشگاه‌ها، آینه تاب‌ناک تقاضا**

بازگشت پالایشگاه‌های جهانی به مدار تولید پس از دوره‌ای از تعمیرات اساسی، یکی دیگر از نشانه‌های مثبت گزارش اوپک است. در ماه ژوئن، ظرفیت ورودی نفت خام به پالایشگاه‌ها بیش از ۲/۱ میلیون بشکه در روز افزایش یافته است، رقمی که به‌وضوح از بازگشت تقاضای واقعی به بازار حکایت دارد. این بازگشت، نه‌تنها باعث ایجاد توازن در زنجیره تأمین انرژی شده، بلکه پیام‌آور شروع دور جدیدی از فعالیت‌های صنعتی در جهان است.

با پلایش، به‌عنوان واسطه‌ای حیاتی میان عرضه و مصرف، نشان‌دهنده ضرب‌آهنگ اقتصاد جهانی است و افزایش فعالیت آن می‌تواند، به‌عنوان سیگنالی از حرکت روبه‌جلوی اقتصاد تلقی شود.

■ **انرژی‌های تجدیدپذیر؛ فرصت یا تهدید؟**

گزارش اوپک همچنین به موضوع انرژی‌های پاک پرداخته و با نگاهی محتاطانه، بر این باور است که گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر در سطح جهانی با سرعتی کمتر از آنچه پیش‌تر تصور می‌شد، در حال وقوع است. این تحلیل در تضاد با برخی پیش‌بینی‌ها قرار دارد که اخیراً نسبت به کاهش شدیدتر مصرف نفت در آینده هشدار داده بود. با این حال،